



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**(روش تربیتی عادت
از دیدگاه امام علی (ع) و دانشمندان**

دکتر محمدرضا نیلی احمدآبادی

(عضو هیات علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان)

عادت یکی از ابتدایی‌ترین و شناخته شده‌ترین روش‌های تربیتی است که مورد استفاده مریبان قرار گرفته و می‌گیرد. برای آشنایی بیش‌تر با این روش و نگرش امام علی علیه السلام در مورد آن، در ابتدا به تعریف و ویژگی‌های عادت اشاره می‌شود، آنگاه دیدگاه تنی چند از روانشناسان و فلاسفه مطرح می‌شود و سپس با استناد به روایات و حکمت‌ها، به طرح دیدگاه آن امام همام می‌پردازیم. در پایان نیز چند راهکار و پیشنهاد عملی در این زمینه ارائه می‌شود.

عادت در فرهنگ فارسی به «خوی یا کاری که انسان به آن خو بگیرد و در وقت معین انجام دهد» معنی شده است (فرهنگ عمید). «ابن سینا» آن را «تکرار زیاد یک عمل در زمان‌های نزدیک به هم که در دراز مدت ادامه می‌یابد» می‌داند (عطاران ۱۳۶۶، ص ۴۰) و «ابن مسکویه» می‌گوید: «حالتی است در روان انسان که او را به انجام عمل بدون نیاز به اندیشه و تأمل سوق می‌دهد» (حجتی ۱۳۶۱، ص ۹۸)، «لایب نیتس» هم از آن به «قانون مداومت» یاد کرده است (سپهری ۱۳۲۵، ص ۲۵).

با این وجود، بعضی نیز تعاریف ارائه شده از عادت را دچار عادت زدگی دانسته‌اند: «عادت عبارت است از تمام تظاهرات و فعل و انفعالاتی که ابتدا به صورت اتفاقی یا غیر ارادی و یا ارادی به علتی خود به خود ظاهر، ولی پس از تکرار نوسانات تطبیقی بالاخره تبدیل به عادت می‌شوند» (صبوری اردوبادی، ۱۳۶۰).

با جمع‌بندی تعاریف بالا، می‌توان گفت که عادت:

الف. نتیجه تکرار است و استمرار عمل موجب آن می‌شود.

ب. امری تدریجی و غیر ناگهانی است.

ج. برای انجام هر بار عمل، نیاز به تفکر ندارد.

روانشناسان و مکاتب روانشناسی نیز عادت را مورد توجه قرار داده‌اند. «ویلیام جیمز» آمریکایی در کتاب «اصول روانشناسی» خود می‌گوید: «ما پشتواره‌ای از عادت هستیم و ۹۹٪ از آن‌چه می‌کنیم عادت است» (صناعی ۱۳۵۶، ص ۵۳).

روانشناسان رفتارگرا و پیوندگرایان نیز یادگیری را تشکیل عادت تلقی کرده و بر قانون تکرار و تمرین، به منظور ایجاد عادت نسبت به رفتارهای فراگرفته شده تأکید می‌ورزند. نظریه میدان شناختی در یادگیری هم به عادت اشاره کرده و آن را عمل مؤثر و کارسازی می‌داند که از کردار فرد بر پایه بینش او پدید می‌آید و معتقد است هنگامی که در ساحت شناختی، به وسیله تعمیم و تفکیک و نوسازی تغییری حاصل شود، دلیل بر تغییر در ادراک و معناست و رویداد معنادار، دارای وضع روانی و مسیر مشخصی است، فرد می‌داند چه اعمالی و چه نتایجی را به دنبال دارد و این امر، اساس عادت است. عادت، انسان را قادر می‌سازد تا هوشمند عمل کند؛ زیرا در بسیاری از موارد اندیشیدن وجود ندارد یا صرف وقت زیاد، زیان بخش است و لذا تعمیم عادت‌های سودمند، ضامن سلامت و سعادت افراد آدمی است (پارسا ۱۳۷۲، ص ۱۱۳).

در بین دانشمندان مسلمان، «غزالی» بیش از همه و با اختصاص بخش مهمی از کتاب «احیاء العلوم» با عنوان «العادات» به این موضوع، آن را به عنوان روش تعلیم و تربیت تلقی نموده است؛ اگر چه هیچ‌گاه نقش مکانیکی برای آن قایل نیست. توجه او به عادت، ناشی از نگرش او به اخلاق است که آن‌را بر دو پایه استوار نموده است: نخست پایه فطری که از طریق موهبت الهی و به‌طور طبیعی حاصل می‌شود و دیگری کسبی که از رهگذر عادات گوناگون فراهم می‌آید (حجتی ۱۳۶۱، صص ۹۸-۹۷). شهید مطهری نیز معتقد است تعریف علمای قدیم از تربیت، همان تشکیل ملکات اخلاقی از فضایل انسانی است؛ به صورتی که طبیعت ثانوی افراد شود؛ و نتیجه می‌گیرد که: فن تربیت، همان فن تشکیل عادت است و این تعبیر از تربیت، یعنی ساختن به منزله ماده‌ای انعطاف‌پذیر که می‌توان او را با فضیلت‌های نیکو و یا رذایل قبیح شکل داد. (مطهری ۱۳۷۱، صص ۷۸-۷۷).

دیدگاه‌های موافق و مخالف پیرامون نقش تربیتی عادت

شاید کمتر روش تربیتی مانند عادت را بتوان یافت که دو دیدگاه کاملاً متضاد پیرامون آن ارایه شده باشد. برخی آن را دارای نقش تربیتی مطلوب و برخی آن را مذموم و ناپسند می‌دانند.

الف. کسانی مانند «غزالی» که عادت را اساس و پایه خلق نیکو می‌داند (کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۱۱) و «ارسطو» که آن را وسیله کمال طبیعت آدمی تلقی کرده است (عطاران ۱۳۶۶، ص ۳۹) و «ابن‌سینا» که معتقد است کودک را باید با اخلاق نیکو و صفات پسندیده و عادات ستوده مواجه ساخت (همان، ص ۳۸) به نقش تربیتی مطلوب عادت معتقدند.

دکتر خسرو باقری نیز به خصیصه «ظهور تدریجی شاکله» واصل «مداومت و محافظت عمل» در تربیت اشاره کرده و معتقد است همراهی، مداومت و محافظت ضروری است، زیرا مداومت

بدون محافظت، سازنده عادات سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت اصلاً سازنده نیست؛ زیرا حالی است که هر چند هم بسیار متعالی باشد، زایل خواهد شد. از دید ایشان، فرایض ایزاری برای تداوم عمل هستند (باقری ۱۳۶۸، صص ۹۷-۹۳).

ب. افرادی مانند «افلاطون»، «کانت»، «روسو» و «دیوئی» به مخالفت با عادت برخاسته‌اند. افلاطون آن را «فضیلتی دور از تعقل، بدون اساس و مشکوک و غیر قابل تعلیم به دیگران» می‌داند (سپهری ۱۳۲۵، ص ۶)، «کانت» سعی در عادت دادن کودک به هر چیزی راه، مخاطره انگیز و آن را باعث سلب استقلال و آزادی می‌داند و تنها کار لازم را بازداشتن بچه‌ها از تشکیل عادت می‌داند (عطاران ۱۳۶۶، ص ۴۵) و روسو در تربیت «امیل» می‌گوید: باید او را عادت دهیم که به هیچ چیز عادت نکند (مطهری ۱۳۷۱، ص ۸۲).

«دیوئی» هم از این منظر با عادت مخالف است و معتقد است تشکیل عادت در کودکان، آن‌ها را برای تطبیق با شرایط متغیر محیطی و زمانی خویش عاجز ساخته و پایه شکست افراد در روزگار خویش را فراهم می‌سازد.

به این ترتیب می‌توان دریافت افرادی که به بیان نقش تربیتی عادت پرداخته‌اند، آن را مبنای فضایل و تشکیل ملکات اخلاقی می‌دانند و کسانی که به مخالفت با آن پرداخته‌اند، تشکیل عادت را موجب انجام عمل بدون تفکر و تعقل، مکانیکی شدن اعمال انسانی و ضعف نیروی عاقله آدمی دانسته‌اند.

استاد شهید مطهری، با تقسیم عادات به دو نوع «فعلی» و «انفعالی»، به این تضاد پایان داده است. بر اساس دیدگاه استاد، عادات فعلی عاداتی است که به عامل خارجی ارتباط نداشته، بلکه انسان کاری را در اثر تکرار و ممارست فرا گرفته، بدون تأثیر یک عامل خارجی، عملی را انجام می‌دهد. در این نوع، انسان با عادت مذکور انس گرفته و اسیرش می‌شود. (مطهری ۱۳۷۱، صص ۸۸-۹۰).

عادت از دیدگاه امام علی علیه السلام

قبل از بیان دیدگاه امام علیه السلام در مورد عادت، به فرازی از کلام آن حضرت در مورد عادت یافتن خود به اخلاق پیامبر اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَبِعُ الْفَصِيلَ أَثَرُ أُمَّيْ، يُرْفَعُ لِي نَبِيٌّ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ؛ مِنْ هُمُورِهِ بِأَيِّمِيرِ بُوْدَم، چُونَانِ فِرْزَنْدِ كِه هُمُورِهِ بِأَمَادِرِ اسْت. پیامبر هر روز نشانه‌ای تازه از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

از منظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام عادت، طبیعت دومین آدمی است: «العادة طبع ثان». این فرمایش حضرت را می‌توان ناظر بر دو موضوع دانست: اولاً، عادات جزئی از طبیعت آدمی محسوب می‌شود و بنابراین عادات پسندیده معرف بخشی از طبیعت و هویت انسان است و اگر آدمی بخواهد به خلق نیکو شناخته شود، باید بهترین خلق را انتخاب کند و درصدد برآید آن را

عادت خویش سازد. امام می‌فرماید: «تغییر لنفسک من کل خلق احسنه فان الخیر عادة». ثانیاً از آن‌جا که طبیعت آدمی به سادگی قابل تغییر نیست، تغییر عادت هم کاری صعب و سخت است؛ بنابراین به موجب اصل تقدم پیش‌گیری بر درمان، باید در ابتدا سعی در جلوگیری از تشکیل عادات نامطلوب و در غیر این صورت بر آن غلبه نمود. به همین دلیل، امام علیه السلام غلبه بر عادت را یک فضیلت: «الفضیلة غلبة العادة» (غررالحکم، ص ۱۶، ش ۴۱۱) و بلکه بالاترین عبادت می‌داند: «الفضل العبادة غلبة العادة» (غررالحکم، ص ۱۷۶، ش ۴۵)؛ زیرا وجود انسان را اشغال نموده، مالک آن می‌شود و او را از کمال باز می‌دارد. از دیدگاه حضرت «العادة عدو مملک؛ عادت دشمن اشغالگر است» (همان، ص ۳۳، ش ۱۰۰۱) و انسان باید در جهت تکامل خویش، درصدد برآید تا دشمن و جودی خویش را دفع نماید. راه و وسیله غلبه بر خصم نیز از سوی امام ارایه شده است، آن‌جا که می‌فرماید: «غالبوا انفسکم علی ترک العادات وجاهدوا اهلکم تملکوها؛ در ترک عادت بر نفس تان غلبه کنید و با خواسته‌های نفس مبارزه کنید تا نفس خویش را مالک شوید» (همان، ص ۵۰۸). بنابراین مبارزه با هوای نفس وسیله غلبه بر عادت است. طبیعی است با توجه به ویژگی‌های انسان، این مجاهده و مبارزه امری بسیار سخت است که خود امام نیز به آن اشاره فرموده‌اند: «اصعب السياسات، نقل العادات؛ سخت‌ترین سیاست‌ها، تغییر عادات است» (همان، ص ۱۸۱، ش ۱۴۲).

بنابراین تسریع در این مبارزه، آدمی را زودتر به مقصد می‌رساند و درنگ در آن، عادت را ریشه دارتر و مبارزه با آن را مشکل‌تر می‌کند. به قول مولوی:

خار بن در قوت و برخاستن
خارکن در سستی و در کاستن

با مرور روایات، می‌توان دریافت امام علیه السلام بر اساس نوع عادات، تشکیل عادت یا مقابله با آن را توصیه فرموده است؛ زیرا بر هر چیز که انسان به آن خوی می‌گیرد نتایجی مترتب است. بر این اساس، امام علیه السلام عادات مطلوب برای نفس و اعضا و جوارح آدمی را، که باعث تربیت و تکامل او می‌شود، تعریف و ارایه نموده است.

از منظر آن حضرت، نفس و زبان و گوش، هر کدام باید به صفتی نیکو عادت نمایند. نفس آدمی نیازمند پاکی نیت و زیبایی آهنگ است تا موفقیت در کار و کوشش او حاصل گردد: «عود نفسک حسن النیه و جمیل القصد تدرک فی مساعیک النجاح» (همان، ص ۴۹۲، ش ۸).

هم‌چنین نفس باید به امور نیک عادت کند، تا در این رهگذر شرافت یابد و آخرتش آباد گردد و ستایش کنندگان او رو به فزونی گذارند: «عود نفسک فعل المکارم و تحمیل اعباء المقارم. تشرف نفسک و تعمر آخرتک و یكثر حامدوک» (همان، ص ۴۹۲، ش ۴). عادت به جوانمردی و اجتناب از اصرار نیز موجب شایستگی آدمی می‌شود: «عود نفسک السماح و تجنب الالاحاح یلزمک الصلاح» (همان، ص ۴۹۲، ش ۷). زبان آدمی نیز باید به حسن کلام، نرمی گفتن و سلام کردن

عادت نماید، زیرا این امر موجب زیادی دوستان و کم شدن دشمنان او می‌گردد و او را در مقابل ملامت دیگران ایمن می‌کند.

امام می‌فرماید: «عود لسانک حسن الکلام تأمن الملام» (همان، ص ۴۹۲، ش ۵) یا: «عود لسانک لتین الکلام و بذل السلام یكثر محبوك و یقل مبغضوك» (همان، ص ۴۹۲، ش ۳).

توصیه آن حضرت در مورد عادت گوش، شنیدن سخنان نیکو و دوری از استماع سخنانی است که به شایستگی انسان چیزی نمی‌افزاید؛ زیرا این گونه سخنان باعث زنگار دل می‌گردد و مذمت دیگران را به دنبال می‌آورد: «عود اذنک حسن الاستماع ولا تصغ الا الی ما یزید فی صلاحک استماعه فان ذلک یرصدی القلوب و یوجب المذام» (همان، ص ۴۹۲، ش ۶).

از سوی دیگر امام علی هر عده از مردم را که به صفتی متصف گشته‌اند، دارای عادت ویژه‌ای می‌داند. مثلاً از دیدگاه آن حضرت، عادت بزرگان بخشش است: «عادة الکرام الجود» (همان، ص ۴۹۳، ش ۱۲) و عادت اشرار، آزار دوستان: «عادة الاشرار اذیة الرفاق» (همان، ص ۴۹۳، ش ۱۶) که اشاره به همه روایات نقل شده در این مورد، از حوصله بحث خارج است.

اقسام و مراحل عادت

بارزترین طبقه‌بندی عادت، تقسیم آن به عادات نیک و عادات بد است که در فرمایشات امام علی علیه السلام به صورت بارزی به آن اشاره گردید. «غزالی» هم عادات را بر حسب حوزه نفوذ، طبقه بندی و بر خلاف بسیاری که آن را صرفاً در محیط بیولوژیک یا یادگیری‌های عضلانی محدود می‌کنند، به چهار قسم تقسیم نموده است:

۱. حرکات عضلانی (عادات: خوردن، پوشیدن، بازی، خطاطی و...)

۲. جنبش‌های عقلانی (بینش دینی و فقهی و طرز تفکر)؛

۳. عادات وجدانی (مرتبط با عواطف انسان)؛

۴. عادات اخلاقی (زهد، صبر، اعتدال، شجاعت و...) (حجتی ۱۳۶۱، ص ۱۰۸).

استاد شهید مطهری نیز همان گونه که ذکر شد عادات را به دو نوع فعلی و انفعالی تقسیم نموده و نوع فعلی آن را ارزشمند می‌داند؛ زیرا تشکیل عادت در جهت ساختن انسان است نه پرورش او. از نظر ایشان، پرورش، رشد استعداد موجود است و ساختن، شکل دادن انسان آن گونه که مربی می‌خواهد و بنابراین تشکیل عادت از نوع فعلی آن را برای انسان سازی توصیه می‌فرماید (مطهری ۱۳۷۱، صص ۸۸-۹۰).

نویسنده کتاب «روش تربیتی عادت» هم عادات را به چهار نوع «روحی یا معنوی»، «عضوی یا عملی»، «فکری یا غریزی» و «حیاتی یا بیولوژیک» تقسیم‌بندی نموده است (صبوری اردوباری ۱۳۶۰، صص ۲۰-۲۱).

با توجه به تقسیم بندی‌های متعدد که برخی از آن‌ها ذکر شد، باید گفت وظیفه مربی تشکیل

عادات نیک، در همه ابعاد عملی - روانی - معنوی و عاطفی است تا فرد بتواند مترقی خویش را در همه ابعاد وجودی اش تربیت کند.

طبیعی است برای تشکیل عادات نیک و از بین بردن عادات بد، طی کردن مراحل لازم است تا بتوان طبیعت ثانوی فرد را تشکیل یا تغییر داد. «غزالی» مراحل تشکیل عادت را دو مرحله تکوین و ثبات می‌داند. مرحله تکوین، مرحله‌ای است که رفتار انسان به آسانی و روانی انجام نمی‌گیرد، بلکه با تحمل و دشواری‌هایی همراه است. مرحله ثبات به گونه‌ای است که رفتار و اعمال به صورت ابرازی در می‌آید. (حجتی ۱۳۶۱، صص ۹۹-۱۰۰).

«ویلیام جیمز» هم معتقد است برای تشکیل عادت، باید هر کاری را در اولین فرصت و با شدت تمام آغاز کرد و به این منظور راه‌هایی را پیشنهاد می‌کند. از جمله اینکه فرد خود را در مقابل دیگران متعهد کند. آن‌گاه باید بر خود سخت‌گیری کند تا عمل مورد نظر به صورت عادت درآید. برای این کار هیچ استثنایی نباید قابل شد، زیرا پذیرش استثنا مانند پیچیدن گلوله نخی است که ناگهان بر زمین افتد و نتیجه تلاش از بین برود و سرانجام اینکه در روند تشکیل عادت، از ابتلا به سستی و رخوت پرهیز شود. (سپهری، ۱۳۵۲).

مرحوم محمد قطب می‌گوید اسلام برای حذف عادات بد، دو وسیله اختیار کرده است: یا عادات را فوری و بدون معطلی قطع کرده و به دور انداخته و یا تدریجاً و به کندی ریشه آن‌ها را با تیشه بریده است. برای هر یک از عادات بد، به نسبت نوع و مقدار ریشه دوانیدن‌شان در جان، باید یکی از دو وسیله را انتخاب کرد.

ایشان معتقد است آیاتی هم‌چون: «بأی ذنب قتلت» (تکویر، ۹) و «ویل للمطففین» (مطففین، ۱) و «ویل لكل همزة لمزة» (همزه، ۱)، از جمله دستوراتی هستند که لحن عتاب آلود آن، گویای ترک فوری این عادات مذموم است و آیاتی که به تدریج برای ترک شراب‌خواری نازل گردیده، شیوه دوم اسلام است که ابتدا بین مستی و رزق نیکو تفاوت قایل شده است: «ومن ثمرات النخيل والاعناب تتخذون منه سكرًا و رزقًا حسنًا ان فی ذلك لایة لقوم یعقلون» (نحل، ۶۷) و آن‌گاه با نزول آیه: «یسئلونك عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما کبیر من نفعهما...» (بقره، ۲۱۹) عقل و وجدان انسان‌ها را نسبت به فزونی گناه شرب خمر از نفع‌اش، بیدار ساخته و سپس آن‌ها را از اقامه نماز در حال مستی باز داشته است: «یا ایها الذین آمنوا لا تقرؤا الصلاة و انتم سکاری...» (النساء، ۴۳) و سرانجام با آیه: «یا ایها الذین آمنوا اتما الخمر و المیسر و الانصاب و الازالام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تعقلون» (مائده، ۹۰)، دستور اجتناب از شرب خمر را صادر نموده و در صدد برآمد ریشه این عمل پلید را در جامعه مسلمین بخشکاند. (محمد قطب ۱۳۶۲، صص ۲۷۹-۲۷۵).

شیوه برخورد مربی با عادات سوء، منوط به میزان نامطلوبی و مضرات ناشی از آن است؛ اگر

این ضرر زیاد و جبران ناپذیر باشد، برخورد فوری مربی را می‌طلبد و در غیر این صورت باید به تدریج و با راهبردی مناسب باید آن عادات نامطلوب را زایل ساخت.

راهکارها و پیشنهادات

به منظور بهره‌وری بیش از پیش از این روش تربیتی و با توجه به آنچه ذکر شد، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. مربیان به ویژه مربیان مقطع ابتدایی، بیش از همه نیازمند شناخت مجموعه روش‌های تربیتی، به ویژه روش مغفول عادت هستند تا بتوانند با استفاده از یافته‌های خویش، گام‌های عملی در این زمینه بردارند. تأکید بر کاربرد این روش در دوره ابتدایی، از این روست که: «اولاً این تنها اخلاقی است که در این سن امکان‌پذیر است. ثانیاً ما ناگزیریم بر حسب سن کودک به نوعی اخلاق مبتنی بر عادت... و مانند آن متوسل شویم؛ به طوری که با ساختمان‌های روانی و امکانات شاگرد در زمان معین سازگار باشد» (شکوهی ۱۳۶۳، ص ۱۵۲).

علاوه بر آن، تشکیل عادت در این دوره، به مراتب آسان‌تر از دوره‌های بعدی رشد است.

۲. داشتن ویژگی‌هایی برای کاربرد این روش ضروری است. مربیان علاوه بر کسب آگاهی درباره روش‌ها، باید بیش از هر چیز صبور و بردبار بوده و علاوه بر آن، خود نقش الگو داشته باشند تا بتوانند رفتارهایی را که قصد دارند دانش‌آموزان به آن عادت نمایند با عمل خود معرفی نمایند.

«دورکیم» می‌گوید: «تابعیت اخلاقی باید از دو وجه سرشت کودکان استفاده کند: تأثیر شدیدی که عادت بر رفتار کودکان می‌گذارد و نتایجی که می‌توان از طریق اعمال بزرگ‌ترها به دست آورد. عادات می‌توانند در قالب انضباط اخلاقی ریخته شوند، ولی معلم نیز باید خود را به عنوان نمونه اخلاق عرضه کند» (علاقه‌بند ۱۳۷۶، ص ۱۴۷).

۳. از جمله عادات مطلوب با توجه به روایاتی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است، عادت به انجام فرایض دینی است که از کودکی باید شروع شود تا با ایجاد روح معنوی در آنان، تقید به فرایض در بزرگسالی امر دشواری برای آنان نشود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما فرزندانمان را در سن هفت سالگی به مقدار توان‌شان دستور می‌دهیم که روزه بگیرند تا نصف روز یا بیش‌تر یا کمتر، وقتی تشنگی یا گرسنگی بر آنان غلبه کرد افطار می‌کنند. این عمل را به این جهت انجام می‌دهیم تا تدریجاً به روزه گرفتن عادت نمایند و قدرت آن را پیدا کنند...» (وسایل‌الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸).

۴. از آن‌جا که عادت، طبیعت ثانوی هر فرد است، در راه تشکیل عادات خوب یا از بین بردن عادات بد، باید از سخت‌گیری‌های بی‌مورد نسبت به دانش‌آموزان اجتناب شود تا موجب به هم ریختگی ساختار روحی و روانی آنان نگردد.

۵. به موازات رشد قوای عقلانی، باید سهم ایجاد عادات را به نفع شیوه‌های تربیتی دیگر

کاهش داد تا تسلط بر رفتار و عقلانی رفتار کردن دانش‌آموزان دچار مخاطره نشود.
۶. از جمله عاداتی که امروزه بیش‌تر از هر زمان دیگر و به دلیل تسلط رسانه‌های جمعی از سویی و حجم آموزش‌ها و تکالیف مدرسه‌ای از سوی دیگر، نیازمند آئیم، عادت به تفکر، پرسش‌گری، هدف‌مندی و نظم است. روش‌های ایجاد این عادت باید به موقع مورد شناسایی قرار گیرد و مریبان با تغییر شیوه‌های تعلیمی و تربیتی خود، نسبت به گسترش این عادات در دانش‌آموزان اقدام نمایند.

۷. کودکان، بسیاری از عادات نیک و بد خود را از خانه به مدرسه منتقل می‌نمایند. از جمله وظایف مریبان، شناخت عادات بد کودکان است تا علاوه بر زایل ساختن آن در وجود خود دانش‌آموز، از اشاعه آن در بین دیگران جلوگیری شود. پیشنهاد عملی آن است که مریبان در ارتباط تنگاتنگ با خانواده قرار گرفته و این عادات را شناسایی و با رعایت تفاوت‌های فردی، نسبت به از بین بردن آن اقدام کنند.

۸. همراهی روش‌های تربیتی دیگر از قبیل: پند و اندرز، الگو سازی و معرفی الگو و اسوه تربیتی، تشویق و ترغیب، گفتگوی مستدل و دیگر شیوه‌ها نیز برای ایجاد عادات، بسیار مناسب است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. باقری، خسرو (۱۳۶۸): نگاهی به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۴. پارسا، محمد (۱۳۷۲): روانشناسی یادگیری، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت.
۵. حاجتی، سیدمحمد باقر (۱۳۶۱): روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی (دفتر دوم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. سپهری، برزو (۱۳۲۵): آراء فلاسفه درباره عادت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۳): تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. صبوری اردوباری، احمد (۱۳۶۰): نقش تربیتی عادت، تهران، انتشارات هدی.
۹. صناعی، محمود (۱۳۵۶): آزادی و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۰. عطاران، محمد (۱۳۶۶): آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
۱۱. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۶): جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر روان.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۶۰): فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
۱۳. غررالحمک و دررالکلم، ج ۱ و ۲، ترجمه: محمد علی انصاری.

۱۴. قطب، محمد، روش تربیتی در اسلام، ترجمه: سید محمد مهدی جعفری (۱۳۶۲)، تهران، مؤسسه انجام کتاب.

۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱): تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.

۱۶. وسایل الشیعه، ج ۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی